

درس یکم:

« مبانی علوم و فنون ادبی (۱) »

❖ **متن چیست؟** هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد متن است.

حال می توان: (متن نوشته، صدا، بو، مزه و ...) باشد. اما منظور ما در ادبیات آثار شعر و نثر فارسی است.

سه دیدگاه بررسی متن از دیدگاه زبان، ادبیات و فکر

۱-زبانی ۲-ادبی ۳-فکری

❖ **قلمرو زبانی:** خود دارای ۲ سطح: (۱) سطح واژگانی: بررسی لغت از نظر فارسی یا غیرفارسی بودن،

کاربرد واژه های کهن، روابط معنایی، ساختمان واژه است

(۲) سطح دستوری یا نحوی: بررسی متن از نظر «ترکیبات و قواعد دستوری»، کاربرد دستور تاریخی، کوتاهی و بلندی جمله ها

❖ **قلمرو ادبی:** به بررسی متن از (نظر وزن و قافیه و ردیف)، (آرایه های ادبی) می پردازد.

❖ **قلمرو فکری:** بررسی اثر از نظر ویژگی های فکری، باورها، گرایشات، نوع نگرش نویسنده است

متن به دو بخش تقسیم می شود: الف) شعر ب) نثر

❖ کالبد شکافی چیست؟ بررسی پیکر و کالبد شعر و شناخت عناصر آن است.

❖ **مراحل و گام های کالبد شکافی در شعر**

۱. خوانش: نشانه گذاری واژه ها یا جمله های ویژه برای استخراج نکات مهمتر
۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی: ۱-وجود لغات فارسی و بیگانه ۲-ساختمان واژه ۳-کاربردهای تاریخی دستور ۴-سادگی و کوتاهی جملات.
۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی: ۱-توجه به قالب و قافیه ۲-توجه به آرایه های ادبی
۴. شناسایی و استخراج نکات فکری: ۱-توجه به محتوای متن ۲-توجه به مفاهیم ذهنی و عینی
۵. نتیجه گیری و تعیین نوع ادبیات مثال: تعلیمی، عرفانی، فلسفی، تاریخی و ...
۶. پرسش های چهار گزینه ای درس ۱

درس دوم:

«سازه ها و عوامل تأثیر گذار شعر فارسی»

- شعر و موسیقی برای برانگیختن حس و حال عاطفی است.
- اساسی ترین عامل پیدایی شعر، عاطفه است.
- شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از زبان کمک می گیرد. واژگانی را بر می گزیند که با قرار گرفتن در کنار هم آهنگ خاصی بوجود آید.
- وزن و آهنگ به انتقال بهتر احساس و عاطفه کمک می نماید.
- پس از عاطفه مهمترین و موثرترین عامل وزن است.
- علت بیشتر خواندن شعر نسبت به نثر شوق به زمزمه و آواز خوانی است.
- وزن در شعر جنبه تزیینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است.
- وزن ادراکی است که از احساس نظم حاصل می شود.
- وسیله ادراک وزن، حواس ماست.
- توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می شود.

↩ پرسش های چهار گزینه ای درس ۲

درس سوم:

«واج آرایی (نغمه حروف)، واژه آرایی (تکرار)»

واج آرایی:

واج آرایی تکرار یک یا چند واج صامت با مصوت در شعر یا در نثر است که در کلمه های یک مصراع یا بیت به گونه ای که آفریننده موسیقی درونی باشد و بر تأثیر شعر بیافزاید. اگر واج آرایی در مصوت «ب» باشد به آن تتابع اضافات گویند. موسیقی برخاسته از واج آرایی صامت ها از مصوت ها گوش نوازتر است.

ابیات نمونه:

رشته ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود (واج آرایی در صامت «س»)

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است (واج آرایی در صامت «خ» و «ز»)

خواب نوشین بامداد رحیل / باز دارد پیاده را ز سبیل (واج آرایی در مصوت «ب»)

خیال خام تو با خود به خاک خواهیم برد/ که تا ز خال تو خاکم شود عبیر آمیز (واج آرایی در صامت «خ»)

واژه آرایی (تکرار): تکرار دویاچند بار یک واژه؛ بطوریکه بر تاثیر آهنگین بیت افزوده کند.

مثال: پس هستی من ز هستی اوست / تاهستم وهست، دارمش دوست.

← پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۲

درس چهارم:

«تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اولیه هجری»

زبان ایرانیان پیش از اسلام که ریشه زبان امروزی است «پارسی» یا «فارسی» است. در ایران پیش از اسلام آثار فرهنگی- ادبی قرن‌ها سینه به سینه حفظ می شد، مانند کتاب «اوستا» را موبدان برای اجرای مراسم دینی از حفظ می خواندند تا این که در دوره ساسانی به نگارش درآمد.

❖ **گروه زبان‌های ایرانی چیست؟** زبان‌هایی که در ایران و مناطق همجوار از قدیم‌ترین روزگاران متداول بوده است و ویژگی‌های مشترکی دارند.

انواع زبان‌های ایرانی از نظر تاریخی

- ۱- **فارسی باستان:** مربوط به هخامنشیان بوده و شامل فرمان‌ها و نامه‌های شاهان است که به خط میخی نوشته شده است.
 - ۲- **فارسی میانه:** این زبان به دو گروه (پارتی و پهلوی) تقسیم می شود. زبان پارتی در دوره اشکانیان تا اوایل دوره ساسانی متداول بوده و آثاری به جا مانده است و در شمال و شمال شرقی ایران کاربرد داشته است.
 - فارسی پهلوی: زبان رسمی دوره ساسانی است و اساساً به ناحیه پارس تعلق داشته است. (مابین فارسی باستان و فارسی نو) قرار گرفته که به آن میانه گویند.
 - آثاری که به زبان پهلوی تالیف شده، بیشتر آثار دینی زرتشتی است.
- بعضی از آثار به زبان پهلوی عبارتند از:

۱. یادگار زریران «دینی» ← پارتی
 ۲. کلیه و دمنه و هزار و یک شب «آثار ادبی» ← پهلوی
 ۳. درخت آسوریک ← منظومه‌ی پارتی
 - ۳- فارسی نو: پس از ورود اسلام به ایران زبان فارسی با بهره‌گیری از الفبای خط عربی به مرحله جدید «فارسی نو» یا «فارسی دری» گفته می شود
- فارسی دری هم زمان با نخستین دولت اسلامی «طاهریان» بوده است.

دری، نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر نفوذ عناصر عربی بود.

دری: زبان درباری ساسانیان، زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی بوده است.

«وضعیت نظم و نثر قرن سوم»

په چه سببی فارسی دری زبان رسمی ایران شد؟ با روی کار آمدن یعقوب لیث صفاری و عدم آشنایی او با زبان عربی اجازه ورود زبان عربی به حکومتش را نداد و به زبانی که سخن می گفت (فارسی دری) را زبان رسمی اعلام کرد و حکومت‌های بعد از او مانند سامانیان و آل بویه هم به عنوان زبان رسمی از فارسی دری استفاده می کردند.

وضعیت نظم و نثر در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

این دوره مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی است که به شکوفایی نظم و نثر می انجامد. در آغاز این دوره سامانیان روی کار آمدند و رسم‌ها و سنت‌های فرهنگی کهن ایران را رواج دادند. بخارا عهده‌ترین مرکز فرهنگی است و دانشمندان آثار ارزنده به پارسی و عربی پدید می آورند. بعد از شکست سامانیان به دست غزنویان غزنویان هم برای ماندگاری حکومت نوپای خود ناگزیر شدند زبان فارسی را رواج دهند و شاعرانی مانند (عنصری، فرخی و منوچهری) به وجود آمد.

در مجموع قرن چهارم هجری دوران غلبه، رواج، حفظ و ارائه آداب و رسوم ملی بود. قرن و دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی بود و دانشمندی مانند زکریای رازی و بوعلی سینا مربوط به این دوره‌اند.

امرای سامانی با تاکید بر ضرورت تالیف به زبان فارسی دری و گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی در برابر خلافت بغداد به هویتی مستقل دست پیدا می کند و پس از گذشت چند سده و رواج و نفوذ معارف اسلامی و متون دینی، آمیختگی زبان فارسی دری با زبان عربی افزایش می یابد.

شعر این دوره

ویژگی شعر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم سادگی فکر و روانی کلام است. شاعر فکر و خیال خود را همان گونه که به خاطرش می رسد بیان می کند. آوردن ترکیبات تازه، استعاره‌های دلپذیر و تشبیهات گوناگون و به کارگیری انواع توصیف از خصیصه‌های این دوره است.

پدر شعر فارسی

شعر فارسی در این دوره به دست رودکی بنیاد نهاده شد، به همین سبب او را «پدر شعر فارسی» نام نهادند. رایج‌ترین انواع شعر فارسی این دوره «حماسی»، «مدحی» و غنایی بود. شعر غنایی با دو شاعر مشهور، رودکی و شهید بلخی قوت و استحکام یافت.

شعر حکمی و اندرز (تعلیمی) آغاز شد و در دوره سلجوقیان به پختگی رسید و از قصیده سرایان معروف «کسایی موزی» و «ناصر خسرو» بود.

نثر این دوره

نثر هم در این دوره رونق یافت و کتاب‌هایی در موضوع‌های گوناگون به زبان دری پدید آمد. نثر این دوره ساده و روان است و بیشتر به موضوع‌های حماسی، ملی و تاریخی توجه دارد.

پرخ از کتاب‌های نثر فارسی در این دوره عبارتند از:

- ۱- «شاهنامه ابومنصوری»: این کتاب حدود سال ۳۴۶ قمری به دست دانشوران خراسان با موضوع تاریخ گذشته ایران بود، امروز فقط چند صفحه از آن باقی مانده است.
- ۲- «ترجمه تفسیر طبری»: اصل تفسیر را «محمد بن جریر طبری» به زبان عربی به نام خود نوشته است و جمعی از دانشمندان آن زمان به فارسی برگرداندند.
- ۳- «تاریخ بلعمی»: ابوعلی بلعمی به دستور منصور بن نوح سامانی مأموریت یافت که تاریخ مفصلی را که محمد بن جریر طبری آن را تحت عنوان «تاریخ الرسل و الملوك» به زبان عربی نوشته بود به فارسی برگرداند و بلعمی هم ضمن ترجمه اطلاعات دیگری راجع به تاریخ ایران به دست آورد و بر آن افزود و با حذف مطالبی از اصل تاریخ طبری، آن را به صورت تألیفی مستقل درآورد که به «تاریخ بلعمی» شهرت یافت.

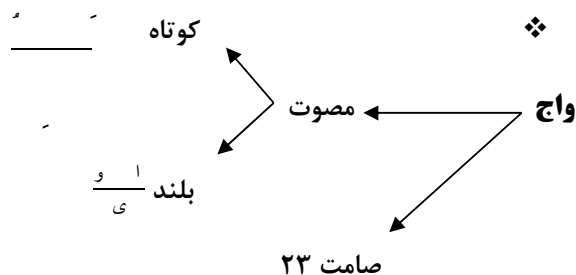
درس پنجم:

«همانگی پاره‌های کلام»

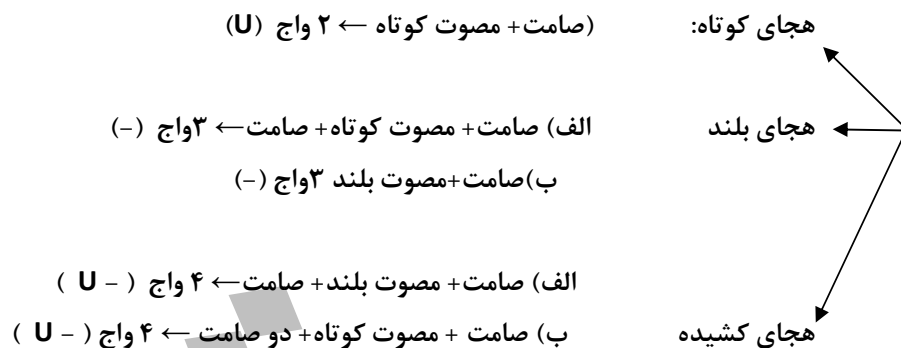
اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر عاطفه است. عاطفه: حالتی روحی - روانی است که شاعر از رویداد حادثه‌ای در خویش احساس می‌کند و می‌کوشد دیگران را با خود در این احساس همراه سازد.

۱- بعداز عاطفه مؤثرترین عامل وزن است.

❖ **واج: کوچک‌ترین واحد آوایی زبان (صدا در گفتار)**



❖ **هجا (بخش):** به تعداد مصوت در یک واژه هجا تشکیل می‌شود. مثال ← مادر که دوهجا می‌شود.

انواع هجا:

❖ **نکته ۱:** سه واج بلند چون از نظر امتداد صوتی دو برابر مصوت‌های کوتاه هستند پس در شمارش ۲ واج حساب می‌شود

مثال: بار (ب + ا + ر) ← ۴ واج

❖ **نکته ۲:** «الف» در ابتدای هر واج در عروض ۳ واج است.

مثال: آب = ا / ب مجموعاً ۴ واج

قر = ق / ر
مثال ۲: قرآن

آن = ا / ن = ۴ واج

* هر چند (ن) ماقبل مصوت‌های بلند حذف می‌شود در خط عروضی

❖ **نکاتی در جداسازی هجاهای یک کلمه**

- ۱- در هر هجا فقط یک مصوت داریم (تعداد هجاها برابر با تعداد مصوت‌ها) می‌باشد.
- ۲- در جداسازی هجاها هر هجا را همان طور که می‌خوانیم، می‌نویسیم تا در شمارش واج‌ها برای نشانه گذاری دچار اشکال نشویم.

مثال: تو ← تُ خواب ← خَاب
شکل نوشتاری ← شکل خوانداری شکل نوشتاری ← شکل خوانداری

۳- قبل از هر مصوت یک صامت وجود دارد، پس «ابر» تعداد واجش این چنین می‌شود: ا / ب / ر

۴- هجای کشیده معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است.

۵- مصوت بلند پیش از «ن» ساکن کوتاه به حساب می‌آید.

اکنون که با شناخت هجا و تعیین نوع آن (کوتاه، بلند، کشیده) آشنا شدید باید بدانید زمانی دو مصرع هم وزن می‌شوند که:

(الف) تعداد هجاهای آنها با هم برابر باشد.

(ب) هجاهای کوتاه و بلند آنها در مقابل یکدیگر قرار گیرد.

مثال: بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش

بُ	خُر	تا	تَ	وا	نی	بِ	با	زو	ی	خیش
کِ	سَعَ	یَتَ	بُ	وَدَ	دَر	تَ	را	زو	ی	خیش
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

توجه ۱: هجای پایانی اوزان شعر فارسی همیشه بلند محسوب می شود و اگر به جای آن کشیده یا کوتاه بیاید تبدیل به هجای بلند می شود مثل هجای پایانی در بیت بالا «کوه» که کشیده است یعنی از نظر عددی ۴ واج می باشد، بلند حساب می شود به عبارتی واج کوتاه حذف می شود. «کو»

توجه ۲: تساوی مصراع‌ها و هجاها مربوط به شعر سنتی است نه شعر نو
پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۵

درس ششم:

«سجع و انواع آن»

سجع: یکسانی دو واژه درواج یا واج های پایانی و وزن یا هردوی آنها در پایان دوجمله است. (قافیه درنثر) است.

-سجع هم درنثر و هم شعر به کار می رود. فایده آن ایجاد موسیقی درنثر و افزایش موسیقی در شعر است.

-نثری که سجع در آن به کار رود «مسجع» نامیده می شود.

۱- متوازن: دو کلمه فقط هم وزن هستند. مثال ← (عمر - مال) - U

۲- مُطَرَف: دو کلمه هم وزن نیستند فقط واج های پایانی یکسانی دارند. مثال ← (آرند - بیازارند)

۳- متوازی: دو کلمه در وزن و واج های پایانی یکسان هستند. مثال ← (مال - سال)

انواع سجع

ارزش موسیقایی سجع متوازی بیش از دوسجع دیگر است.

ملک بی دین **باطل** است و دین بی ملک **ضایع**. سجع متوازن

دوستی راکه به عمری فراچنگ **آرند** نشاید که به یک دم **بیازارند**. (مطرف)

همه کس راعقل خود به **کمال** نماید و فرزند خود به **جمال**. (متوازی)

↩ پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۶

درس هفتم:

«سبک و سبک شناسی (سبک خراسانی)»

❖ دوره اول «سبک خراسانی»

«سبک»: در اصطلاح ادبی، شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است و به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد، «سبک شعر» می‌گویند. شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر «سبک شخصی» اوست.

• تقسیم بندی سبک بر اساس نظریه ارسطو:

- ۱- بر اساس نام شاعر یا نویسنده مانند: سبک خراسانی ۲- زمان و دوره اثر مانند: دوره غزنوی ۳- موضوع و نوع مانند: سبک عرفانی، حماسی ۴- محیط جغرافیایی مانند: آذربایجانی، خراسانی ۵- مخاطب: سبک عامیانه ۶- هدف: تعلیمی، فکاهی ۷- قلمرو دانش: علمی، فلسفی

• تقسیم بندی سبک شعر بر اساس نظر ملک الشعرای بهار:

۱. سبک خراسانی (ترکستانی) از «آغاز شعر فارسی تا قرن ششم»
۲. سبک عراقی «قرن ۶ تا ۱۰»
۳. سبک هندی «قرن ۱۰ تا ۱۳»
۴. دوره بازگشت «قرن ۱۳»
۵. دوره مشروطه
۶. دوره معاصر «از مشروطه تا به حال»

• تقسیم بندی سبک نثر بر اساس نظر ملک الشعرای بهار:

- ۱- سامانی ۲- غزنوی ۳- سلجوقی ۴- عراقی ۵- بازگشت ادبی ۶- دوره ساده نویسی

※ **سبک خراسانی (ترکستانی):** نخستین آثار منظم بعد از اسلام ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ (خراسان کنونی و افغانستان و تاجیکستان و ماورالنهر و ترکستان) پدید آمد.

سبک سلجوقی: را باید «بینابین» نام نهاد زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد.

شعرای معروف سبک خراسانی: رودکی - فردوسی - ناصر خسرو و

• ویژگی‌های شعر سبک خراسانی در سه قلمرو:

(الف) زبانی: ۱- سادگی زبان شعر ۲- کمی لغات عربی ۳- کهنه و مهجور بودن بعضی از لغات ۴- استفاده از دو نشانه برای یک متمم

(ب) ادبی: ۱- قالب این دوره قصیده است. ۲- استفاده از آرایه‌های ادبی در حد اعتدال ۳- استفاده بیشتر از تشبیه

(پ) فکری: ۱- روح شادی و نشاط ۲- شعر واقع گراست ۳- معشوق عمدتاً زمینی است ۴- روح حماسه ۵- سادگی فکر و کلام

• ویژگی‌های فنر دوره ساسانی:

۱- ایجاز و اختصار در لفظ و معنا ۲- تکرار فعل و اسم ۳- کوتاهی جملات ۴- بهره‌گیری کمتر از لغات عربی
مانند آثار ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی و شاهنامه ابومنصوری

• ویژگی‌های فنر دوره غزنوی و سلجوقی:

۱- اطناب (جملات طولانی) ۲- تمثیل و استشهاد به آیات ۳- حذف افعال ۴- افزایش کاربرد لغات عربی
مانند آثار: تاریخ بیهقی، قابوس نامه، سفرنامه خسرو، کیمیای سعادت و ...

◀ پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۷

درس هشتم:

«وزن شعر فارسی»

عروض چیست؟ علمی که قواعد وزن شعر و طبقه بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می کند «عروض» نامیده می شود.

واحد وزن در شعر فارسی «مصرع» است، وقتی شاعر مصرع اول را سرود، بقیه مصرع‌ها را باید در همان وزن بسراید.

خط عروضی چیست؟ شعر را همان گونه که می خوانیم یا می شنویم بنویسیم.

❖ نکاتی در نوشتن شعر به خط عروضی:

(۱) همزه ماقبل صامت ساکن در خواندن حذف می شود. مثال: ۱: سرانجام = سَ / رَن / جام

مثال ۲: بنی آدم اعضای یکدیگرند = بَ / نِ / آ / دَ / مَعْ / ضَا / یِ / ...

(۲) آن طور که می خوانیم کلمات (هجاها) جدا می شوند. مثال: خواهر = خَا / هَر

۳ «ن» ساکن بعد از مصوت‌های بلند حذف می‌شود. مثال: جان = (-)

۴ در خط عروضی باید حرکات (مصوت‌های کوتاه) گذاشته شود.

مثال: ای چشَم چِراغِ اَهلِ بَینش

۵ حروفی که در خط است اما به تلفظ در نمی‌آید، در خط عروضی حذف می‌شود.

مثال: می نویسیم ← هر چه بر نفس خویش نپسندی

به خط عروضی می نویسیم ← هر چ بر نفس خیش نپسندی

۶ حروف مشدّد را دو بار می نویسیم مانند «عَزّت» ← عَزَزَت

❖ تقطیع هجایی:

«تقطیع» یعنی قطعه قطعه کردن شعر به هجاها و ارکان عروضی

پس برای تقطیع:

شعر را به صورت خط عروضی و هجا هجا نوشته و مرز هر هجا را با خط عمودی کوتاهی مشخص می‌کنیم. سپس علامت هر هجا را، زیر آن می نویسیم.

مثال: بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند

خط عروضی:

بش	ن	از	نی	چُن	ح	کا	یت	می	کُ	نَد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
از	جُ	دا	یی	ها	شِ	کا	یت	می	کُ	نَد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

← پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۸

درس نهم:

«موازنه وترصیع»

موازنه: تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو جمله است که به هم آهنگی آنها می‌انجامد.

مثال: دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود



جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند

قرصیه: موازنه ای که همهٔ سجع های آن متنازی باشد.

مثال: ای منور به تو نجوم جمال

↓ ↓ ↓ ↓ ↓ ↓
ای مقرر به تو رسوم کمال

← پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۹

«زبان و ادبیات فارسی در سده‌های ۵ و ۶»

درس دهم:

«و ویژگی های آن»

❖ شعر فارسی

تلاش شاعران ایران از قرن سوم تا میانه قرن ۵ موجب شد زبان و ادبیات فارسی در شرق و شمال شرق، یعنی ماورالنهر، خراسان و سیستان گسترش یابد.

مواد مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی این دوره عبارتند از:

۱. گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار
۲. لشگرکشی غزنویان
۳. توسعه مدارس تعلیم
۴. گسترش فارسی دری
۵. درآمیختن زبان فارسی با ترکیبات عربی
۶. آمیختگی باواژه‌ها، نام‌ها و لقب‌های غیررایج در عصر غزنوی و سلجوقی

علت آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی در قرن ۵ و ۶ چه بود؟

زیرا در مدارس آن عهد، عمدتاً تحصیل علوم دینی و ادبی میسر بود، به همین سبب شاعران و ادیبان بیش از هر چیز با زبان و ادبیات عربی آشنا می شدند.

رویداد دیگر نشر و گسترش زبان فارسی در هندوستان و آسیای صغیر است و علت آن لشگرکشی‌های متعدد سلطان محمود غزنوی به هندوستان است.

• با نگاهی گذرا به شعر این دوره درمی یابیم :

۱. تا حدود نیمه‌ی دوم قرن ۵ و ۶ شعر فارسی همچنان تحت تأثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است.
۲. گروهی از شاعران این دوره علاوه بر تقلید از پیشینیان هر یک ابتکارات و نوآوری‌هایی دارند که باعث دگرگونی و تحول در سبک سخن فارسی شد.

موضوع اصلی شعر در نیمه دوم قرن ۶ علاقه‌مندی شاعران به سرودن غزل‌های لطیف است.

- * از ویژگی‌های شعر فارسی در این دوره، تأثیرپذیری برخی از شاعران از ادبیات عرب و مضامین شعری آن بوده است.
- * تحول روحی و معنوی سنایی آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی گردید، آن چنان که به پیروی از وی بسیاری از شاعران به تصوف و عرفان روی آوردند. شاعرانی همچون عطار و مولوی ظهور کردند.
- * حکمت و دانش و اندیشه‌های دینی نیز در شعر این دوره تأثیری عمیق بخشید.

نثر فارسی در سده‌های (۷ و ۸)

در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، نثر فارسی تازه ظهور کرده بود و با همه پیشرفت‌هایی که داشت هنوز در آغاز راه بود در نیمه قرن ۵ به دوره بلوغ و در قرن ۶ و اوایل قرن ۷ به پختگی و کمال رسید.

*** مهم‌ترین دلایل که در تاریخ نثر این دوره اهمیت دارد:**

۱. گسترش عرفان و تصوف
 ۲. شکل‌گیری دولت سلجوقی و بهره‌گیری از دبیران و نویسندگان
- * در این دوره نثر موزون (مسجع) به وجود آمد و خواجه عبدالله انصاری این نثر را به کمال رساند.
- * در قرن ۶ نثر دیگری به نام «نثر مصنوع» شکل گرفت.
- ویژگی‌های آن:** آوردن آرایه‌های ادبی فراوان امثال و اشعار گوناگون از عربی به پارسی و اصطلاحات علمی است و نخستین نمونه آن «کلیله و دمنه» است که بعدها توسط حضرت سعدی در کتاب گلستان به اوج خود رسید.
- با گسترش شعر فارسی در فارس و نواحی مرکزی ایران (عراق عجم) و آذربایجان و توجه نویسندگان و شاعران به علوم و ادبیات، در سبک شعر و نثر تحولی پدید آمد که به «عراقی» معروف است. این دوره شکوفاترین دوره زبان فارسی است.

❖ ویژگی‌های شعر سبک عراقی به شرح زیر است:

الف) زبانی:

- ۱- ازمیان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی
- ۲- فراوانی ترکیبات نو

۳- کاهش سادگی و روانی کلام

۴- ورود لغات ترکی و مغولی به فارسی

ب) ادبی:

۱- رواج بیشتر قالب های شعری به ویژه غزل و مثنوی

۲- رواج منظومه های داستان سرایی

۳- توجه بیشتر به آرایه های ادبی

۴- به کارگیری ردیف های فعلی واسمی دشوار در شعر

ج) فکری:

۱- ورود اصطلاحات عرفانی

۲- فراوانی وعظ و اندرز در شعر

۳- فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی

۴- رواج هجو در شعر

۵- رواج حس دینی

۶- رواج مفاخره شکایت و انتقاد اجتماعی

ویژگی های عمده نثر فارسی این دوره عبارتند از:

۱- استفاده از آرایه هایی همچون: موازنه، سجع، مراعات و تشبیه...

۲- حذف افعال به قرینه

۳- کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی

۴- رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی

۵- آوردن مترادفات و توصیف های فراوان

۶- کاربرد آیات، احادیث و اشعار در متن

۷- استفاده از ترکیبات دشوار

درس یازدهم:

« قافیه »

ردیف: کلمه یا کلماتی است که بعد از واژه قافیه، عیناً (از نظر لفظ و معنی) تکرار می شود.

قافیه: واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آنها مشترک باشد.

حروف قافیه: حرف یا حروف مشترکی که در آخر واژه‌های قافیه می آید.

مثال: بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
کلمه قافیه حروف قافیه ردیف

قواعد قافیه:

قاعده ۱: هر یک از مصوت‌های (ا / و) به تنهایی اساس قافیه قرار می گیرند.

مثال ۱- صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان داده‌ای ما را
قافیه ردیف

مثال ۲: یارب، مار است هین بگریز از او / تا نریزد بر تو زهر، آن زشت خو
قافیه

قاعده ۲: هر مصوت با یک یا دو صامت بعدش قافیه قرار می گیرد. (مصوت+صامت)

مثال ۱- کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد / یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
در این بیت «ین» حروف قافیه و کلمه‌های «حزین» و «همین» قافیه است.

مثال ۲- نکونام و صاحب دل و حق پرست / خط عارضش خوش تر از خط دست
«ست» (مصوت+صامت+صامت) حروف قافیه است.

نکته ۱: «و» درواژه‌هایی مانند «جو، نو، رو، دو، دور، جور، فردوس، جلو، شوق، ذوق، حول، قول»

«موج، اوج، گوهر و...» به صورت «لَو» (مصوت کوتاه +صامت) معادل «ow» تلفظ می شود. وقافیه طبق قاعده ۲ می باشد.

مثال: مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از گذشته خویش آمد و هنگام درو

تبصره ۱: به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه اند و رعایت آنها الزامی است؛

ای پادشه خوبان داد ازغم تنهایی دل بی توبه جان آمد وقت است که باز آیی

ا+یی حروف قافیه است: (ا) حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و **یی** حروف الحاقی.

حروف الحاقی عبارتند از:

(شناسه‌ها، ضمایر متصل، پسوندها، «ن» مصدری و «ی» آخر بعضی از واژه‌های (خدای)، (جای)، (موی)...) (۱۴)

تذکره: برای پیدا کردن قافیه هر شعر ابتدا به سراغ ردیف می رویم، سپس واژه های قافیه و در آنها اول حروف الحاقی و سپس حروف اصلی را مشخص می کنیم. قدما آخرین حرف اصلی را «روی» می نامیدند.

تبصره ۲: «ه» بیان حرکت (غیر ملفوظ) حروف الحاقی هستند مانند (کره - تره) حروف قافیه (ر) می باشد.

تبصره ۳: در قاعده ۲ اگر مصوت ها متفاوت باشند قافیه نمی شوند؛ مگر حرف یا حروفی الحاق شوند. مثال (گشته - کشته)

تبصره ۴: پسوند و پیشوند می تواند قافیه قرار گیرد به شرط آنکه تکراری نباشد.

مثال نادرست: شب سیاه بدان زلف کان تو ماند / سپیدروز به پاکی رخان تو ماند

جمع

جمع

مثال درست: تک بهاران شد، صلاي لولیان / بانگ نای و سبزه و آب روان

حالت

جمع

❖ **قافیه درونی:** بعضی از شاعران برای غنی تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصراع ها نیز قافیه می آورند.

مثال ← در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

قافیه اصلی غزل

قافیه درونی

❖ **ذوقافیتین:** گاهی شعر دارای دو قافیه پایانی (ذوقافیتین) است که قافیه اصلی در واژه های آخر مصراع هاست.

مثال ← طُرفه می دارند یاران صبر من بر داغ و درد / داغ و دردی کز تو باشد خوش تر است از باغ و وَرْد

تذکره: در شکل نوشتاری (املائی) حروف قافیه باید مشابه و همسان باشد، مثلاً در این شعر سعدی:

پیوند روح می کند این باد مشک بیز / هنگام نوبت سحر است ای ندیم، خیز

حال اگر به جای یکی از قافیه ها کلماتی همچون «حُضیض، لذیذ، غلیظ» قرار می گرفتند شاید از نظر گوشتی یکسان بود ولی از نظر املائی متفاوت است.

* پس شرط بر آن است که کلمات قافیه از نظر رسم الخطی درست باشند.

❖ **قافیه در شعر نو:**

قرار گرفتن قافیه در شعر نو بیشتر جنبه ذوقی دارد به قول نیما «قافیه مقید به جمله خود است» و همین که مطلب عوض شد. قافیه عوض می شود. بر خلاف شعر کلاسیک (قدیمی) قافیه همیشه در آخر نمی آید، بلکه بستگی به مطلب دارد.

مثال: از تهی سرشار

جویبار لحظه ها جاری است

چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب و اندر آب بیند سنگ

دوستان و دشمنان را می شناسم من

زندگی را دوست دارم

مرگ را دشمن

درس دوازدهم:

«جناس و انواع آن»

- چنانچه:

به معنای به کار بردن واژه‌هایی در سخن است که در تمام حروف یا برخی از آن‌ها با یکدیگر اشتراک داشته باشند. در تقسیم بندی به دو قسم تقسیم می گردد:

الف) جناس تام: آن است که دو کلمه در لفظ و املا یکسان و در معنی مختلف باشند. مانند این بیت زیر:

بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟ (گور: گورخر - گور: قبر)

ب) جناس ناقص

(۱) اختلاف حرکتی: مثال: (گل - گِل)

(۲) اختلاف حرفی: مثال: (کام - نام)

(۳) افزایشی: مثال: (جان - آن)، (قامت - قیامت)

ابیات نمونه:

الف) در حلقه گل و مل خوش خواند دوش بلبل / هات الصبوح هبوا یا ایها السکاری

ب) صوفی بیا که آینه صافی است جام را / تا بنگری صفای می لعل فام را

ج) ساقی به نور باده برافروز جام ما / مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما